



بسم الله الرحمن الرحيم

عرض کردیم که خبر اول از باب ۱۷ از ابواب من یصح منه الصوم که صحیح السند و مورد عمل فقهای ما بود بر سه مطلب دلالت داشت؛
اول اینکه روزه بر حامل مقرب و مرضعة قليلة اللبن واجب نیست و می تواند افطار کنند.
دوم اینکه به إزای هر روز که خورده اند باید یک مد طعام تصدق بدهند.

سوم اینکه قضای روزه ها ایشان را باید بعداً بجا بیاورند.

نسبت به حامل مقرب بحث شد و اما در مورد مرضعه قليل اللبن باید عرض کنیم که علاوه بر خبر اول که خواندیم خبر ۳ از همین باب ۱۷ نیز بر این مطلب دلالت دارد البته در این خبر برخلاف خبر اول باب مسئله فدیة وجود ندارد لذا ما باید ببینیم که آیا می توانیم برای هر دوی اینها (حامل مقرب و مرضعه قليلة اللبن) یک حکم بیان کنیم یا نه؟ و البته یک تفصیلی هم در این خبر سوم ذکر شده که در خبر اول نبود و آن اینکه مرضعة اگر کسی را پیدا کند به بچه اش شیر بدهد باید روزه اش را بگیرد و إلاً جایز است که افطار کند بنابراین اگر ما این خبر سوم را معتبر بدانیم باید طبق همان حکم کنیم.

آقای خوئی این خبر را معتبر ندانسته و فرموده این خبر فقط در دست ابن ادریس بوده و ما هیچ طریقی به کتاب مذکور (مسائل الرجال) که ابن ادریس این خبر را از آن نقل کرده نداریم زیرا خود ابن ادریس از طبقه ۱۳ و ۱۴ می باشد و حمیری که این خبر را از او نقل کرده از طبقه ۶ و ۷ و ۸ می باشد، خلاصه آقای خوئی از جهت سند به این روایت اشکال می کند و آن را قبول نمی کند و می رود سراغ همان خبر اول و بعد تفصیلی که در خبر دوم آمده را از همین خبر اول استفاده می کند به این صورت که ایشان می فرمایند درباره هر دوی اینها (حامل مقرب و مرضعة) گفته شده؛
لأنهما لا تطيقان الصوم و طاقت صوم نداشتن در جایی است که

انسان کسی را پیدا نکند که به بچه اش شیر بدهد و خودش هم طاقت صوم را نداشته باشد بنابراین عبارت لا يطيقان الصوم که در خبر اول آمده جای تفصیل خبر سوم را می گیرد.

بعضی از فقهای ما مثل آقای بروجردی و حضرت امام (ره) نسبت به خبر اول فتوی داده اند ولی نسبت به خبر سوم فرموده اند؛ الأحوط (احتیاط مستحبی) زیرا این بزرگواران خبر دوم را از لحاظ سند صحیح نمی دانند و ما نیز در حاشیه عروة همین را گفته ایم ولی صاحب عروة ظاهراً خبر سوم را حجت دانسته لذا فرموده الأقوی، خوب این تتمه بحث دیروز بود که به عرضتان رسید.

فصل دوازدهم درباره طرق ثبوت هلال رمضان و شوال می باشد در واقع حکم متعلق به خود هلال ماه می باشد و احکام واقعی مترتب بر موضوع هلال می باشند و در آیه ۱۸۹ از سوره بقره گفته شده: « یسئلونک عن الأهلة قل هی مواقیت للناس والحج » از پیغمبر (ص) درباره اشکال مختلف هلال در طول ۱۲ ماه سال سؤال شده که این أهلة چه تأثیری در تکلیف و سرنوشت ما دارند؟ جواب داده شده که؛ قل هی مواقیت للناس والحج یعنی این أهله از لحاظ حکم تکلیفی مواقیت شما می باشند و تمام محاسباتتان مثل بلوغ و عده زن و امثال اینها را باید از روی اینها محاسبه کنید یعنی در اسلام تمام تکالیفی که مترتب بر زمان هستند باید از روی مواقیت أهلة محاسبه شوند.

مسئله زمان در زندگی بشر نقش بسیار مهمی دارد لذا در قرآن کریم آیاتی داریم که در آنها راجع به زمان مطالب مختلفی ذکر شده است من جمله وجود سال و ماه و هفته. ما وجود سال را از اینجا فهمیدیم که زمین در حرکت خود به دور خورشید طوری حرکت می کند که فصول چهارگانه سال بوجود می آیند یعنی از کیفیت گردش زمین به دور خورشید فصول چهارگانه سال بوجود می آیند.

و اما وجود هفته و ماه را از گردش ماه فهمیده ایم به این صورت که ماه از اول هلال تا تربیع اول نصفش روشن می شود که این می شود یک هفته بعد از تربیع اول تا آخر تربیع دوم می شود بدر یعنی ماه کامل می شود که این می شود هفته دوم و بعد از بدر

ماه را رؤیت نکرده ولی اشخاصی به صورت متواتر به او خبر از رؤیت هلال داده اند .

خبر ۳ از باب ۱۲ از ابواب احکام شهر رمضان بر این مطلب دلالت دارد ، خبر این است : « و بإسناده ، عن محمد بن احمد بن داود ، عن محمد بن علی بن الفضل و علی ابن محمد بن یعقوب ، عن علی بن الحسن ، عن معمر بن خلاد ، عن معاویة بن وهب ، عن عبد الحمید الأزدی ، قال : قلت لأبی عبدالله (ع) : أكون فی الجبل فی القرية فیها خمس مائة من الناس ؟ فقال : إذا كان كذلك فصم لصيامهم وافطر لفظرهم » . خلاصه اینکه شکی نیست که یکی از راههای حصول علم به ثبوت هلال ماه تواتر می باشد .

الثالث : مضی ثلاثین يوماً من هلال شعبان أو ثلاثین يوماً من هلال رمضان فإنه يجب الصوم معه فی الأول والإفطار فی الثانی . اخبار ۱۱ و ۱۲ از باب ۵ از ابواب احکام شهر رمضان بر این مطلب دلالت دارند ، خبر ۱۱ این خبر است : « وعنه ، عن یوسف بن عقیل ، عن محمد بن قیس ، عن أبی جعفر (ع) قال : قال أميرالمؤمنین (ع) إذا رأیتم الهلال فأفطروا ، أو شهد علیه عدل من المسلمین - إلى أن - قال : و إن غمّ علیکم فعدّوا ثلاثین لیلة ثم أفطروا » . خبر ۱۲ نیز بر این مطلب دلالت دارد . بقیه بحث بماند برای جلسه بعد إنشاء الله ...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

دوباره ماه لاغر می شود و تا روز بیست و یکم می رسد به تربیع سوم که می شود هفته سوم و بعد دوباره ماه لاغرتر می شود تا به محاق می رود که این می شود هفته چهارم و بعد دوباره در ماه دوم همین اشکال بوجود می آیند و تکرار می شوند: « والقمر قدّرناه منازل حتی عاد کالرجون القديم » ، « الشمس والقمر بحسبان » ، « هوالذی جعل الشمس ضیاءً والقمر نوراً و قدّره منازل لتعملو عدد السنین والحساب (یونس آیه ۵) » البته ما قبل از شروع بحث صوم ابتدا به طور مفصل درباره ماه و رؤیت هلال و بحث اختلاف افق و مسائل مربوط به آن به طور مفصل بحث کردیم لذا دیگر در اینجا خیلی وارد بحث نمی شویم و بحث را تکرار نمی کنیم صاحب عروة نیز در این فصل طرق ثبوت هلال ماه را بیان می کند .

خوب و اما درباره آیه ۱۸۹ از سوره بقره که اول بحث خواندیم یک روایتی در تهذیب جلد ۴ ص ۱۶۶ حدیث ۴۷۲ وجود دارد ؛ « عن جعفر بن محمد (ع) فی قوله عزوجل : مواقیت للناس ، قال : لصومهم و فطرهم وحجهم » خلاصه اینکه منظور ما این است که هلال خودش موضوع حکم است هم برای ماه رمضان و هم برای ماه شوال .

صاحب عروة در این رابطه می فرماید : « فصل فی طرق ثبوت هلال رمضان و شوال للصوم والإفطار و هی امورٌ : الأول: رؤیة المكلف نفسه » . خود رؤیت و دیدن هلال ماه یکی از طرق ثبوت هلال ماه می باشد که روایات فراوانی در باب ۳ از ابواب احکام شهر رمضان در این رابطه ذکر شده است مثلاً خبر اول از این باب ۳ این خبر است : « محمد بن یعقوب ، عن علی بن ابراهیم ، عن أبییه ، و عن محمد بن یحیی ، عن أحمد بن محمد جمیعاً عن ابن أبی عمیر ، عن حماد بن عثمان ، عن الحلبي ، عن أبی عبدالله (ع) قال : إنه سئل عن الأهلة ؟ فقال: هی أهلة الشهور ، فإذا رأیت الهلال فصم و إذا رأیته فأفطر » . خبر سنداً صحیح می باشد .

الثانی : التواتر . دومین طریق برای ثبوت هلال ماه تواتر می باشد یعنی خبر دادن جماعتی به ثبوت هلال ماه که توافق آنها بر کذب و دروغ عادتاً ممتنع می باشد یعنی در واقع خود انسان هلال